

آمده بود و مشعبد بای غریب می نمود روزی منوکل در آن وقت
 که اگر مشعبد پیش آری که علی بن محمد را بجل ساری برآه از
 وینا رید هم مشعبد گفت نانی خنده تنگ سبک بر ما یدانه نیند و هر
 پهلوی وی بنشاند جهان کرد تا عهادی رضی الله عنه دست
 دراز کرد تا نانی بردارد آن مشعبد علمی کرد که آن بان از سبب
 دست وی بر برسد با این عمل کرد مجلسیان خنده دیند و مجلس
 مسوره بود بران صورت تشریح کشیده عهادی رضی الله عنه
 اشارت بان صورت کرد که بکیر این را آن صورت تشریح است
 و جیت و مشعبد را فرود برد و بار مشوره آمد هر جنب منوکل
 در جو هست کرد که مشعبد را یاز کرد اند قبول نکرد و فرمود که والله
 بعد از این هرگز ویرانه بنیند و شمان چند ایراد وستان وی مسلط
 میکرد پس از مجلس بیرون آمد و آن مشعبد را بعد از آن
 به مجلس نیند از آن پنید و شمان که روزی در ولیمه بعض اولاد خلفا
 بود و جمعی کثیر توطئه و توفیر شست بود در آن مجلس جوانی بود
 فی ادب که حق تعظیم وی گجای می آورد و سخن بسیار سبقت بخندید

روزی بوی کرد و گفت یا همدان تصحک بملار فیک و نذیل عن ذکر الله
 و انت بعد نلت من اهل القصور ان جوان از آن بی ادیبها
 باز ایستاد اما چون طعام خوردند و بیرون آمدند روز دیگر
 در روز سیم وفات یافت **و از آن جمعه است** که روز دیگر
 در ولیمه یکی از اهل شام را بود بی ادبی در مجلس سخنان بیجود
 می گفت و حق تعظیم وی رعایت نمیکرد فرمود که این شخص ازین
 طعام بخورده خورد و از خانه وی خبری خواهد آمد که زن کانی
 بروی تلخ کرد اما چون طعام حاضر آوردند و آن شخص دست
 بنیست و جو است که از آن طعام تناول کند علامه وی کرمان
 و نوادگانش از در راه که مادر تو از یام افتاده است و زلف
 موست زود تر خود را با تجارت رسان بایند که ویراننده
 دریایی ان شخص طعام تا خورد برخواست و رفت
حسن علی بن حسین علی رضای که فرمودی امام بازرگان است
 و گفت وی ابو محمد است و لقب وی از کتبت و خالص
 و سر لاج و وی شتر چون بدر خود بعسکری مشهور است

نای رضی الله عنه